

آنچه در این ستون می‌خوانید، دیدگاه‌های رسانه‌های خارجی است که صرفاً جهت اطلاع‌رسانی منتشر می‌شود و این دیدگاه‌ها موضع روزنامه «هم‌میهن» نیست.

The Washington Post

## دیدار سرنوشت‌ساز در فلوریدا

سه ماه پیش، بنیامین نتانیاهو، نخست‌وزیر اسرائیل، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا را «بزرگ‌ترین دوستی که اسرائیل تا به حال در کاخ سفید داشته‌است» نامید. اما این دوستی و قدرت متقاعدسازی نتانیاهو بار دیگر روز دوشنبه در اقامتگاه شخصی ترامپ در فلوریدا به آزمون گذاشته خواهد شد. دو رهبر در حالی با هم ملاقات می‌کنند که دیدگاه‌هایشان در مورد تقریباً تمام نقاط بحرانی خاورمیانه روزبه‌روز با یکدیگر متفاوت‌تر شده‌است. به گفته مقامات اسرائیلی، این سفر به فلوریدا فرصتی حیاتی برای نتانیاهو است تا ترامپ را متقاعد کند موضع سخت‌گیرانه‌تری در قبال غزه اتخاذ کرده و شرط خلع سلاح حماس را پیش از خروج بیشتر نیروهای اسرائیلی (در چارچوب فاز دوم طرح صلح ۲۰ ماده‌ای ترامپ) لحاظ کند. در مورد ایران، نتانیاهو به دنبال چراغ سبز برای حمله‌ای دیگر علیه برنامه موشک‌های بالستیک جمهوری اسلامی است؛ که احتمالاً بخشی از یک عملیات مشترک با ایالات متحده باشد. این در حالی است که ترامپ در ماه ژوئن با قاطعیت خواستار پایان جنگ ۱۲ روزه میان اسرائیل و ایران شد و اعلام کرد که برنامه هسته‌ای ایران توسط بمب‌افکن‌های آمریکا «به‌طور کامل نابود شده‌است.» در سوریه، دولت ترامپ از اقدامات نظامی اسرائیل در داخل این کشور که باعث تضعیف تلاش‌های رئیس‌جمهور جدید، احمدالشرع، برای تثبیت کنترل می‌شود، برآشفته است. ترامپ در این ماه علناً به اسرائیل هشدار داد که از هرگونه اقدامی که در «روند تبدیل شدن سوریه به کشوری شکوفا» اخلال ایجاد کند، خودداری کند. در لبنان نیز، اسرائیل درحالی‌که خواستار خلع سلاح حزب‌الله طبق آتش‌بس یا میانجیگری آمریکا است، بارها اهداف این گروه را بمباران کرده است؛ حملاتی که بیم آن می‌رود منطقه را در دوران ریاست‌جمهوری ترامپ به سوی یک درگیری بزرگ دیگر سوق دهد. از آنجا که این دو رهبر روز دوشنبه برای پنجمین بار در سال جاری با هم دیدار می‌کنند، تندروی نتانیاهو با رئیس‌جمهوری مواجه خواهد شد که اعتبار و میراث خود را بر پایه ترویج صلح بنا کرده است. به گفته ناظران سیاسی و افراد آگاه، نتانیاهو ممکن است به دلیل تیره شدن روابط، برای جلب حمایت ترامپ با چالش جدی روبه‌رو شود. دن دیکر، رئیس اندیشکده «مرکز قدس برای امنیت و امور خارجی»، می‌گوید: «این یک نشست اضطراری است. هدف این دیدار تلطیف فضا است، چراکه تنش‌های میان دو طرف جدی است. آنها زمان‌بندی‌های متفاوتی برای رسیدن به یک مقصد واحد دارند؛ مقصدی که همان خاورمیانه‌ی رها شده از دست ایران و گروه‌های نیابتی‌اش، به‌ویژه حماس است.» در ماه‌های اخیر، نتانیاهو اغلب به گونه‌ای عمل کرده که ادعاهای ترامپ در مورد برقراری صلح خاورمیانه را زیر سوال برده است. پس از حمله‌هوایی اسرائیل به مذاکره‌کنندگان حماس در قطر، ترامپ نتانیاهو را وادار به عذرخواهی کرد. جرد کوشر، داماد ترامپ و مذاکره‌کننده ارشد، در ماه اکتبر به برنامه «۶۰ دقیقه» گفت: «فکر می‌کنم او (ترامپ) احساس کرد اسرائیلی‌ها کمی از کنترل خارج شده‌اند و زمان آن رسیده که بسیار مقتدرانه عمل کند و مانع انجام کارهایی شود که به صلاح بلندمدت آن‌ها نیست.» درحالی‌که دفتر نتانیاهو با انتشار ویدئویی ساخته‌شده توسط هوش مصنوعی، او و ترامپ را در حال هدایت مشترک یک بمب‌افکن B-۲۰ نشان می‌دهد، دولت ترامپ مسیر دیگری را نیز بررسی می‌کند. اگرچه ترامپ همچنان ایران را در صدر نگرانی‌های منطقه‌ای خود می‌بیند، اما دولت او تلاش جدیدی را برای مذاکره با تهران آغاز کرده است. مورگان اورنگاس، فرستاده ویژه ترامپ، اخیراً در شورای امنیت سازمان ملل تکرار کرد که واشنگتن آماده گفت‌وگوهای رسمی با ایران است، هر چند بر عدم غنی‌سازی اورانیوم تأکید کرد. در نهایت، در مورد لبنان نیز نظرات در دولت آمریکا دوگانه است؛ برخی معتقدند فقط اسرائیل می‌تواند محاسبات حزب‌الله را تغییر دهد و برخی دیگر بر این باورند که نمی‌توان به اقدامات اسرائیل اعتماد کرد، چراکه ممکن است باعث انفجار اوضاع و ایجاد هرج‌ومرج گسترده‌تر شود.

### نگاه دیپلمات ۱

## دیپلماسی



شکست: ایران

# برکت یا نکبت؟

## انتقاد کارشناسان از اظهارات جنجالی سیدعباس عراقچی



شهاب شهسواری

خبرنگار گروه دیپلماسی

هفته گذشته اظهارات سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در جمع فعالان اقتصادی اصفهان با واکنش‌های گسترده‌ای مواجه شد. عراقچی در این سخنرانی که بخش عمده آن به توضیح‌های او در مورد ضرورت باز کردن گره‌های دست و پاگیر داخلی در مقابل اقتصاد اختصاص داشت، گفت: «من می‌دانم تحریم یعنی چه، هزینه‌های آن را برای کشور می‌دانم، مشکلات آن را برای کشور می‌دانم، کسی نگویید عراقچی نمی‌داند تحریم چیست! اما برکات آن را هم می‌دانم. با تحریم باید زندگی کرد.» این بخش از سخنان عراقچی با واکنش‌های گسترده‌ای در رسانه‌ها و افکار عمومی مواجه شد. محمد طیبیان، اقتصاددان در واکنشی تند به این اظهارات نوشت: «همه می‌دانیم جناب ایشان و جنابان در شرایط بدتر از این هم می‌توانند خوب و فربه زندگی کنند. انصافاً از جانب مردم صحبت نفرمایید.» حسین موسویان، دیپلمات پیشین و استاد دانشگاه پرینستون نیز در واکنش به این اظهارات نوشت: «تحریم نکبت است.» این دیپلمات پیشین ۱۰ ضرر برای تحریم به این شرح برشمرد: «افزایش فقر و فلاکت عمومی، کند شدن یا توقف توسعه کشور، افزایش بیکاری، کاهش کیفیت خدمات عمومی، مشکلات در تأمین دارو و تجهیزات پزشکی، افزایش هزینه‌های

**در شرایطی که فشارهای اقتصادی به مردم ایران روزبه‌روز تشدید می‌شود، سوال اینجاست که تاب‌آوری در مقابل فشارها و آموختن زندگی با تحریم تا چه زمانی باید ادامه پیدا کند؟ مسئولان دولت باید توضیح دهند که انتظارشان از جامعه بیرونی هر چند پرهزینه است، گاهی ضعف‌های قدیمی را عیان و مدیران و ساختارها را ناچار به تغییر مسیر می‌کند.»**

#### دقت در انتخاب کلمات

عراقچی به عنوان یک دیپلمات کارکشته قطعاً بهتر از هر کسی می‌داند که انتخاب کلمات و عبارات در سخنرانی‌ها و اظهارنظرهای عمومی چه‌اثراتی می‌تواند داشته‌باشد. جابه‌جایی عبارات در کلمات دولتمردان می‌تواند صلح‌ها را به جنگ و جنگ‌ها را به صلح بدل کند. استفاده از توصیف «برکت» در کنار «تحریم» بدون تردید باعث بدبینی و بدگمانی مخاطبان می‌شود. عباراتی مانند کاسبان تحریم، سال‌هاست که در میان افکار

عمومی و رسانه‌ها رواج پیدا کرده‌است و این اظهارات عراقچی برای افکار عمومی بلافاصله یادآوری کسان‌ی است که از تحریم و فشار بر مردم منفعت می‌برند. عراقچی پس از سفر به اصفهان متوجه واکنش‌ها به اظهارات خود شد و با انتشار توضیحی در کانال تلگرامی خود، سعی کرد تا نیت خود را از بیان این عبارت روشن‌تر کند. اما هر اندازه هم که توضیح و توجیه‌های بیشتری در مورد مفاهیم عمیق مورد نظر وزیر خارجه داده‌شود، نمی‌توان بی‌دقتی و بدسلیقگی در انتخاب این عبارت را پنهان کرد.

#### تا کی باید با تحریم زندگی کرد؟

بخش دوم جمله عراقچی هم مورد توجه قرار گرفت. اینکه عراقچی تأکید کرد «با تحریم باید زندگی کرد» سوالی را در افکار عمومی ایجاد کرد که آیا امیدها به رفع تحریم کاملاً از بین رفته‌است؟ عراقچی در توضیح این عبارت خود نیز می‌نویسد: «نباید جریان تولید، تجارت و پیشرفت کشور را موقوف به رفع تحریم کرد و نباید متفعلاًنه منتظر روزی ماند که شاید تحریم‌ها برداشته شود.» این اظهارات ناامیدانه در حالی بیان می‌شود که عراقچی در همان سخنرانی تأکید کرده‌است که تلاش برای رفع تحریم، مسئولیت‌دستگاه دیپلماسی است و فراموش نشده‌است. سوال اینجاست که اگر قرار است مردم ایران و فعالان اقتصادی بیاموزند که «با تحریم» زندگی کنند، این دورنما تا چه زمانی ادامه دارد؟ آیا «زندگی با تحریم» سرنوشت محتوم و ابدی مردم ایران است؟ آیا تمام راه‌ها برای شکستن سد تحریم‌ها و برداشته‌شدن فشار از مردم طی شده‌است و دیگر راهی باقی نمانده‌است؟ در شرایطی که فشارهای اقتصادی به مردم ایران روزبه‌روز تشدید می‌شود، سوال اینجاست که تاب‌آوری در مقابل فشارها و آموختن زندگی با تحریم تا چه زمانی باید ادامه پیدا کند؟ مسئولان دولت باید توضیح دهند که انتظارشان از جامعه برای تاب‌آوری و مقاومت تا چه زمانی است. عراقچی در سخنرانی خود می‌گوید: «مشکلات اقتصادی کشور تنها ناشی از تحریم‌ها نیست؛ فساد، باندهای مافیایی، ضعف‌های مدیریتی و جهالت‌ها نیز وجود دارد که نمی‌توان آن‌ها را نادیده گرفت. با این حال، تحریم‌های خارجی هم بخشی از مشکل است، اما به نظر می‌رسد تلاش جدیدی برای بدتر نشان دادن اوضاع اقتصادی کشور در جریان است.» اما از اشاره به این نکته باز می‌ماند که بخش بزرگی از فسادها و باندهای مافیایی، خود نتیجه تحریم‌ها هستند؛ تحریم‌هایی که بسیاری از اوقات دور زدن آنها مستلزم در نظر گرفتن امتیازهای ویژه برای دورزندگان تحریم و دور زدن روش‌های عادی و مرسوم تجارت است. واقعیت این است که بر طرف کردن بسیاری از فسادها و فروپاشی باندهای مافیایی و ویژه‌خواری‌ها خود نیازمند رفع تحریم‌ها است.

#### درس‌های تحریم

عراقچی در توضیحی که در مورد سخنانش در اصفهان نوشت، «برکات» تحریم را به عنوان درس‌هایی که کشور از تحریم‌ها آموخت توصیف کرد. وزیر امور خارجه نوشت: «تحریم به ما آموخت که کشور را نمی‌توان بر یک ستون واحد اداره کرد؛ نه بر نفت، نه بر چند مسیر محدود، نه بر چند بندر خاص و نه بر تعداد معدودی شریک تجاری. تحریم ما را ناگزیر کرد بزرگ‌تر بیاندیشیم، گزینه‌ها را متنوع‌تر ببینیم و مقاومت‌ر عمل کنیم؛ به سمت فاصله گرفتن از اقتصاد تک‌محور نفتی حرکت کنیم، صادرات غیرنفتی را جدی بگیریم، بازارهای جدید را شناسایی کنیم و مسیرهای تازه‌ای برای تجارت و تعامل اقتصادی بیابیم. از دل همین فشارها، استقلال و بلوغ صنایع مختلف کشور شکل گرفت.»

اما این استدلال عراقچی هم چندان با واقعیت موجود همخوانی ندارد. سیدالین درس‌های تئوریک برای وزیر امور خارجه کشورمان تا‌زگی داشته‌باشد، اما تحریم‌ها نه‌تنها باعث متنوع شدن صادرات کشور، متنوع‌تر شدن شرکای تجاری ایران

# دستگاه دیپلماسی باید ابتکار عمل داشته‌باشد

برای تغییر این دیدگاه وجود دارد؟ ما نباید در دیپلماسی منفعل باشیم. باید فعال باشیم، ابتکار عمل داشته‌باشیم و از شخصیت‌ها و چهره‌های شناخته شده کشورمان استفاده کنیم. پیشنهاد من این بود که برای اینکه حیثیت و اعتبار وزارت خارجه حفظ شود، بهترین کار این است که محمدجواد ظریف، به عنوان نماینده ویژه رئیس‌جمهور منصوب شود که معادل استیو ویتکاف از طرف آمریکا باشد. ظریف توانایی مواجهه با ویتکاف را دارد و می‌تواند این مذاکرات را حل و فصل کند.

در همین هفته‌های اخیر دیدیم که حتی زمانی که تمام مسئولیت‌ها از محمدجواد ظریف سلب شد و از کار کنار گذاشته‌شد، باز هم با تمام توان در دوحه حضور پیدا کرد و در مقابل مقام‌های عربی مجادله کرد. استدلال‌های بی‌نظیر او توانست مخالفانش را خلع سلاح کند. بعد از آن هم در نشریه آمریکایی فارن افرز مقاله‌ای نوشت و راهکاری عملی برای پایان دادن به بن‌بست موجود میان ایران و آمریکا ارائه داد. ظریف به‌رغم اینکه وزیر خارجه نیست، علیه او احجاف شد و مسئولیتی ندارد، از خود ابتکار نشان می‌دهد. ظریف از فکر خود استفاده می‌کند و سیاست خارجی را در چارچوب «مسئله» و «حل مسئله» می‌بیند. دیپلماتی که ابتکار عمل

فکر می‌کردیم علی لاریجانی در دبیرخانه شورای عالی امنیت ملی منشأ اثر باشد، اما او هم در آنجا حل شد و هیچ ابتکاری از خود نشان نداد.

کسانی که مخالف مذاکره هستند و فکر می‌کنند باید با وضع موجود کنار آمد و منتظر ماند تا اسرائیل آمریکا را به جنگ دومی با ایران متقاعد کنند، علاقه‌ای به حل و فصل مسائل ندارند و ترجیح می‌دهند که شرایط به همین صورت استمرار پیدا کند. اما واقعیت این است که وزیر امور خارجه در جمهوری اسلامی ایران می‌تواند «معمار سیاست خارجی» باشد و از خودش ابتکار به خرج بدهد. اما وزیر خارجه فعلی، این مسئولیت را از خود سلب کرده‌است و بیش از هر چیز گوش به فرمان شورای عالی امنیت ملی است و هیچ ابتکاری از خودش ندارد. عده‌ای در کشور هستند که تا سخن از مذاکره به میان می‌آید، صدای‌شان بلند می‌شود که می‌خواهند کشور را تسلیم کنند. من از تسلیم نمی‌گویم، من از مذاکره می‌گویم. مگر کسی هست که شرط‌های ترامپ را نداند، ترامپ بخواهان غنی‌سازی صفر و جمع کردن برنامه موشکی ایران است. هیچ ایرانی وطن‌پرستی این شرط‌ها را نمی‌پذیرد. اما کجا می‌توان این شرط‌ها را عوض کرد؟ مگر جایی غیر از میز مذاکره